

39-398

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 39

Date of filing: 9 OCT 89

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

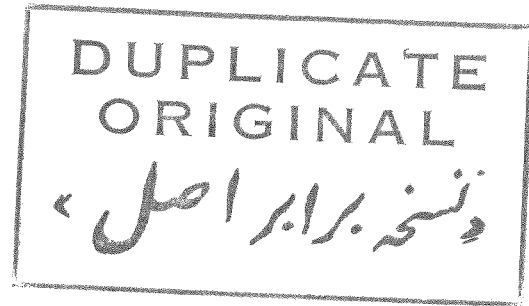
** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: Mr Aldrich (supplemental
Statement of George Aldrich
- Date _____
_____ pages in English 11 pages in Farsi

پرونده شماره ۳۹

شعبه دو

حکم شماره ۲-۳۹-۴۲۵



فیلیپس پترولیوم کامپنی ایران،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

شرکت ملی نفت ایران،

خواندگان.

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحده
FILED	ثبت شد
DATE 9 OCT 1989	
۱۳۶۸ / ۷ / ۱۷	تاریخ

English version	
Filed on 30 AUG 1989	
۱۳۶۸ / ۶ / ۸	نسخه انگلیسی در تاریخ
	ثبت شده است.

 بیانیه تکمیلی جرج اچ. آلدريج

مقدمه

۱ - من با تأسف اقدام به نوشتن این بیانیه می‌نمایم، زیرا معتقدم حکم صادره در پرونده حاضر و نظر موافق من به قدر کافی نظرات مرا منعکس می‌سازند و تبادل مکاتبات بین اعضای دیوان را پس از صدور حکم کار ناشایسته‌ای می‌دانم، به ویژه هنگامی که، مانند اظهارنظرهای قاضی خلیلیان، برخلاف تبصره ۲ ماده ۲ قواعد

دیوان باشد که کلیه داوران و کارکنان دیوان را ملزم به محرمانه نگهداشتن شورها می‌نماید. معذک، باتوجه به اظهارنظرهای قاضی خلیلیان و اهمیت این پرونده، خود را ناگزیر می‌بینم در مورد برخی از اظهارات وی، حقیقت را روشن کنم. گرچه وسوسه‌ای وجود دارد که به بسیاری از نکات پاسخ بدهم، مع الوصف تنها به چند مطلب اساسی که در مورد آنها سوء تفاهمی نباید باشد، اکتفا خواهم کرد.

الف) حدود شورها

۲ - این اظهار قاضی خلیلیان که هیچگونه شوری در مورد عناصر اصلی ارزش گذاری - یعنی مقادیر نفت قابل استحصال، قیمت‌ها، هزینه‌ها و ریسک‌ها، انجام نشده، اشتباه محض است. طبق برنامه زمانی شور که مورد توافق کلیه اعضای شعبه واقع شد، شورها از فوریه ۱۹۸۹ آغاز گردید و شامل تبادل یادداشتهای کتبی، مذاکرات شفاهی و نهایتاً، اظهارنظرهای کتبی و شفاهی در مورد پیش نویس حکمی بود که توسط رئیس دیوان توزیع گردیده بود.

۳ - در رابطه با حدود شورهای شعبه در مورد نرخهای تنزیل، لازمست فقط خاطر نشان سازم که در حکم دلایل دیوان جهت تصمیم به عدم محاسبه مجدد فرمول تنزیل جریان نقدینگی که قبلاً در مدارک موجود بود، به روشنی بیان شده، و لذا لزومی به انتخاب نرخ تنزیل جدیدی نبود. به عکس، همانطور که حکم نشان می‌دهد، دیوان تصمیم گرفت، باتوجه به نتیجه گیریهای خود از برآوردهایی که یکنفر خریدار منطقاً در اواخر سال ۱۹۷۹ از مقادیر نفت خام موجود برای بازیابی، قیمت‌ها، هزینه‌ها و ریسکهای قابل انتظار در طول مابقی سالهای قرارداد مشارکت انجام می‌داد، مبالغی که مناسب تشخیص می‌داد، از ارزش مورد ادعا (که با تجزیه و تحلیل تسلیمی خواهان برمبنای فرمول تنزیل نقدینگی تعیین شده بود) کسر کند. تصمیم دیوان به اتخاذ این

روش به روشنی در پاراگراف ۱۱۴ حکم، به شرح زیر قید شده است:

در این رابطه دیوان قصد ندارد با تجدید نظر در عوامل، خود تحلیلی با روش تنزیل جریان نقدینگی انجام دهد، بلکه در نظر دارد تعیین و مشخص کند که تا چه میزان با برآوردهای هر دو طرف و کارشناسان آنها از کلیه این عناصر ارزیابی موافق یا مخالف است.

در پاراگراف ۱۳۸ حکم، دیوان تصمیم خود به تعقیب چنین روشی را مجدداً مورد تأکید قرار داده و به ویژه اعلام کرد "از آنجا که دیوان تصمیم گرفته است خود محاسبه دیگری با روش تنزیل نقدینگی انجام ندهد... لذا نرخ تنزیل خود را جایگزین نرخ خواهان نمی‌کند..." به عبارت ساده، شیوه ارزیابی مورد عمل در حکم، گواينکه بر مبنای روش تنزیل جریان نقدینگی است، لزوم جایگزین کردن نرخ تنزیل متفاوتی در فرمول تنزیل جریان نقدینه را از بین برد و لذا شور در مورد رقم چنین نرخي را غير ضروری ساخت. بدینسان، قاضی خلیلیان در اظهارات و اشارات خود به عمل نادرست، که قصد استنتاج آن را دارد، کاملاً اشتباه می‌کند. لازم به یادآوری است که روش مورد اتخاذ دیوان منجر به آن شد که دریافتی خواهان حدود دو سوم کمتر از مبلغی شود که خواهان درخواست کرده بود، که کاهشی است بسیار قابل ملاحظه، هرچند نه آنقدر زیاد که مورد نظر قاضی خلیلیان بود.

ب) کنایات راجع به محاسبات "محرمانه" ادعایی

۴ - در بررسی این اظهارات نسبتاً تند قاضی خلیلیان که وی از وجود یادداشتی که اشتباهاً ادعا می‌کند اینجانب برای رئیس دیوان فرستادم و اشتباهاً نتیجه می‌گیرد که مبنای مبلغ مورد حکم واقع گردید، "بیخبر نگهداشته شد"، دلایل حکم را که در بالا تشریح شد باید در نظر داشت. مآووقع، بسیار ساده و کاملاً خالی از اشکال است. هنگامی که هر یک از ما مشغول بررسی پرونده بودیم، رئیس دیوان، ضمن یک گفتگوی

غیر رسمی که یکی از دستیاران حقوقی من هم در آن حضور داشت، در مورد نحوه کاربرد فرمول تنزیل جریان نقدینگی، بخصوص اثر تغییر مفروضات متفاوت آن، اظهار کنجاوی کرد. این امر باعث شد که دستیار حقوقی من، به ابتکار خود، چند فقره محاسبه فرضی برای بررسی نحوه عمل فرمول تنزیل جریان نقدینگی انجام دهد. آنطور که من متوجه شدم، وی در این محاسبات چند نرخ تنزیل متفاوت و مفروضات دیگری را که صرفاً "به منظور تمرین در محاسبه انتخاب کرده بود، به کار برد. مدتی بعد، وی چندین صفحه محاسبات دستنوشته به دفتر من آورد. هنگامی که شروع کرد آنها را به من نشان دهد، به او گفتم که بررسی آنها را لازم نمی‌بینم، زیرا من کاملاً معتقد بودم که ما بایستی روش ارزشگذاری مشروح در بالا - یعنی روشی را که چنین محاسباتی در آن لازم نبود، به کار ببریم. معهذاً، به دستیار حقوقی خود گفتم که باتوجه به ابراز علاقه قبلی رئیس دیوان نسبت به مکانیسم ریاضی فرمول تنزیل نقدینگی، چنانچه وی بخواهد آنها را به رئیس دیوان نشان دهد، از لحاظ من ایرادی ندارد و تصور می‌کنم وی چنین کرد. از مطالعه حکم به روشنی بر می‌آید که رئیس دیوان نیز به این نتیجه رسید که محاسبات مزبور با روش ارزش گذاری که دیوان باید مورد استفاده قرار دهد، ارتباط ندارد.

۵ - قاضی خلیلیان اظهار می‌دارد که یادداشتی ضمیمه این محاسبات بوده که من به رئیس دیوان فرستادم، و مدعی است وی یادداشت را "از منبعی که ملزم به فاش کردنش نیست" به دست آورده است. اطلاعات آقای خلیلیان درست نیست. در مورد موضوع فوق هرگز یادداشتی از جانب من به رئیس دیوان ارسال نشده، فقط محاسبات دستنوشته دستیار حقوقی من در اوضاع و احوال مشروح در فوق و یک یادداشت یک جمله‌ای وی در مورد ارسال محاسبات به رئیس دیوان، در کار بوده است. لازم است اضافه کنم که حتی اگر من یادداشتی به رئیس دیوان نوشته بودم - که نوشته‌ام - کار نادرستی نبود. بدین ترتیب، ارسال نظرات و اطلاعات بصورت شفاهی یا کتبی

توسط یکنفر داور، یا عضوی از کارکنان وی به رئیس یا یک یا چند نفر از داوران بدون توزیع کلی آن بین همه داوران، کاری غیر عادی یا نادرست نیست. استنباط من این است که چنین رویه‌ای در دیوان، از جمله توسط خود قاضی خلیلیان و همچنین قضات دیوان بین‌المللی دادگستری، مورد عمل بوده است.

۶ - همانطور که در بالا توضیح دادم، و همانطور که حکم به روشنی نشان می‌دهد، محاسبات دستیار حقوقی من در تعیین مبلغ مورد حکم در پرونده مورد استفاده واقع نشده، و این واقعیتی است که بدون شک قاضی خلیلیان خود بدان آگاهست، و لذا بحث راجع به محتوای آن محاسبات در اینجا کاملاً زائد است. معذک، لازمست خاطر نشان سازم که فقط شب قبل از روز امضای حکم و مدت کوتاهی پس از آنکه دستیار حقوقی من به من اطلاع داد که نسخه منحصر به فرد از محاسبات دستنویس وی مفقود شده، بود که قاضی خلیلیان برای اولین بار این مطلب را با رئیس دیوان در میان گذاشت.

۷ - لازمست تأکید کنم که برخلاف اظهارات قاضی خلیلیان، کلیه جزئیات تجزیه و تحلیل و محاسبات دیوان، در شورها مورد بحث و بررسی قرار گرفت. پیشنهادهای تخییری قاضی خلیلیان نیز مورد بحث واقع شد. در حکم و در نظر موافق من (که، بنا به اظهار قاضی خلیلیان با یکی از یادداشتهایی که من طی شورها جهت اظهار نظر بین همکارانم توزیع کردم، انطباق نزدیک داشت) دلایل حکم به طور کامل توضیح داده شده است. هیچگونه "تفاهم محرمانه" ای در مورد مبلغ خسارت وجود نداشته و حدودی که مبلغ خسارت می‌بایست در داخل آن قرار گیرد، با استفاده از تجزیه و تحلیل مندرج در حکم تعیین گردیده است.

ج) پیش بینی چیس ایکانامتریکیس

۸ - قاضی خلیلیان، اشاره حکم به پیش بینی قیمت‌های نفت را که چیس ایکانامتریکیس در سال ۱۹۷۹ تهیه کرده بود، مورد انتقاد قرار می‌دهد. وی خاطر نشان می‌سازد که خواهان پرونده شماره ۵۵ نیز به پیش بینی مزبور اشاره نموده و تلویحا اظهار می‌دارد که به این دلیل، استفاده حکم از این پیش بینی، نادرست، یا حتی غیر منصفانه بوده و این نشانگر اعمال غرض به نفع خواهان در پرونده حاضر است. این انتقادات بیجاست به ویژه از آن نظر که این خواندگان بودند که پیش بینی یاد شده را در پرونده حاضر تسلیم کردند و کوشش داشتند تا از پیش بینی بالاتری که توسط دکتر رابینسون، کارشناس خواهان، ارائه شده بود، انتقاد کنند. بعلاوه، این خواندگان بودند، نه رئیس دیوان یا من، که اظهار داشتند پیش بینی چیس را می‌توان در پرونده شماره ۵۵ یافت. بدینسان، خواندگان در لایحه استماع خود، چنین نوشتند:

بعلاوه، مقایسه قیمت‌های پیش بینی شده دکتر رابینسون در مورد نفت خام با پیش بینی دیگری که توسط چیس ایکانامتریکیس برای همان دوره تهیه شده (و در پرونده شماره ۵۵، شعبه دو، توسط آموکو، خواهان پرونده به دیوان ارائه گردیده)، اختلافی در حدود ۴۰ درصد نشان می‌دهد. درحالی که دکتر رابینسون قیمت نفت خام برای سال ۱۹۹۰ را از قرار بشکه‌ای ۵۱/۶ دلار پیش بینی می‌کند، چیس ایکانامتریکیس قیمت نفت خام با همان مرغوبیت را از قرار بشکه‌ای ۳۶/۵ دلار برای همان سال پیش بینی می‌نماید.

دکتر استیونس کارشناس خواندگان نیز در رد پیش بینی دکتر رابینسون به پیش بینی چیس اشاره کرد. گرچه وی قابل اعتماد بودن پیش بینی چیس و همچنین "اجماع عمومی" در مورد پیش بینی های قیمت نفت را که در حوالی سال ۱۹۷۹ صورت گرفته بود، به دلیل آنچه که وی عدم اطمینان در بازار تلقی می‌کرد، مورد انتقاد قرار داد، مع الوصف، وی به روشنی آنرا پیش بینی گویایی بر مبنای اطلاعات موجود وقت

دانست. بدینسان، وی در شهادتنامه کتبی خود می‌نویسد که "پیش بینی های دیگری غیر از پیش بینیهای مورد استفاده توسط فیلیپس ایران در محاسبات تنزیل جریان نقدینگی، وجود دارد. پیش بینی جایگزین دیگر، توسط چیس ایکانامتریکس تسلیم شده (که توسط آموکو در پرونده شماره ۵۵، شعبه ۲ به دیوان ارائه گردیده است)". وی سپس به استفاده از آن پیش بینی جهت تهیه سناریویی از درآمدهای آتی احتمالی خواهان، پرداخت.

۹ - بدینسان، شگفت آوراست که قاضی خلیلیان معتقد باشد که عمل دیوان در اشاره به این پیش بینی در پرونده حاضر، موجه نبوده و یا اینکه دیوان با این عمل به نفع خواهان اعمال غرض کرده است. درواقع، پیش بینی چیس در مورد قیمت نفت، افزایش قیمتی به مراتب پایینتر از آنچه خواهان مطالبه می‌کرد، نشان می‌داد. بدینصورت، منظور کردن پیش بینی چیس در حکم برای تعیین حدود نوسان قیمت‌هایی که در سال ۱۹۷۹ محتمل بود در سالهای بعد از آن رایج شود، تصادفاً به نفع خواندگان تمام شد. اظهار خلاف این مطلب توسط قاضی خلیلیان نه تنها نادرست، بلکه تا حدودی غیرقابل درک است.

(د) - گزارش کمیسیون بورس و اوراق بهادار

۱۰ - قاضی خلیلیان به حکم ایراد می‌گیرد که چرا به گزارش سالانه ۱۹۷۹ (۱۰ - ک) که توسط خواهان نزد کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده ("کمیسیون بورس") ثبت شده، و طبق اظهار وی (رقم مندرج در آن) با رقم ذخایر نفتی مندرج در حکم منافات دارد، ترتیب اثر نداده است. لیکن، قاضی خلیلیان از ذکر این مطلب غافل می‌ماند که گزارش مزبور در هیچ یک از لوائح طرفین ذکر نشده، در جلسه استماع مورد بحث قرار نگرفته و توسط یکی از خواندگان برای اولین بار، دو سال پس از

جلسه استماع و تنها یک هفته قبل از تاریخی که قرار بود حکم امضا شود، تسلیم گردیده است. خواننده توضیحی در این باره نداد که چرا برای تسلیم سندی که حداقل از شش سال قبل از جلسه استماع عموماً در دسترس وی بوده، اینهمه صبر کرده است. در حکم خاطرنشان شده که در چنین شرایطی دیوان نمی‌تواند سندی را که با اینهمه تأخیر به ثبت رسیده، به عنوان مدرک بپذیرد. با این وجود، قاضی خلیلیان استدلال می‌کند که دیوان می‌بایستی گزارش را "مورد توجه قضایی" قرار می‌داد. لیکن تفسیر و ارتباط رقم ذخایر در گزارش به هیچ وجه روشن نیست. در واقع، مستخرجه‌ای از این گزارش که قاضی خلیلیان به تکمله بیانیه مورخ نهم تیرماه ۱۳۶۶ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۷] خود ضمیمه نموده حاوی شرط مهم زیر درمورد رقم ذخایر است:

"کمیسیون بورس و اوراق بهادار، خلاصه عملیات تولید نفت و گاز را که بر مبنای حسابداری شناسایی ذخایر (خلاصه) تهیه شده، سندی در حال تکامل می‌شناسد و متوجه است که مسایل نظری و عملی فراوانی در رابطه با [حسابداری شناسایی ذخایر] وجود دارد که باید حل شود."

بدینسان، حداقل آنچه می‌توان گفت اینستکه مفهوم، قابلیت اعتماد و اعمال رقم مندرج در گزارش ۱۹۷۹ که بنا به اظهار قاضی خلیلیان دیوان می‌بایستی در پرونده حاضر می‌پذیرفت، محرز نیست. علاوه بر این، با در نظر گرفتن تأخیر در تسلیم سند و مبهم بودن رقم ذخایری که در آن درج شده (رقمی که در گزارش ۱۹۸۰ که آنهم تسلیم گردیده، تکرار نشده)، مشکل بتوان از این استنباط خودداری کرد که تسلیم گزارش مزبور، صرفاً تلاشی در لحظه آخر بوده تا صدور حکم باز هم به تعویق بیافتد.

ه) حدود نوسان ارزشگذاریهای مورد بررسی

۱۱ - این مطلب باید واضح باشد که تعیین ارزش اموال، اغلب، اگر نه در همه موارد،

مستلزم اعمال قضاوت دیوان داوری است که مسئولیت تعیین خسارت را به عهده دارد. در نهایت، احتمال بیشتری دارد که حدودی از قیمت‌های محتمل، اکثریت بدست آورد تا یک مبلغ واحد، ولی البته دیوان داوری باید حکم به یک مبلغ مشخص بدهد. وضعیت پرونده حاضر چنین بود. تجزیه و تحلیل مندرج در حکم، پرداخت خسارتی در حدود تقریبی ۵۵ میلیون دلار تا ۷۰ میلیون دلار، یا شاید قدری بیشتر را، توجیه می‌کرد. آقای برینر، رئیس دیوان و من در این خصوص توافق عقیده داشتیم. قاضی خلیلیان با تجزیه و تحلیل حکم موافق نبود و لذا، جای تعجب نیست که نمی‌توانست با رقم خسارتی در حدود فوق موافق باشد. به عکس، رئیس دیوان و من نمی‌توانستیم قبول کنیم که رقم خسارت در سطحی به مراتب پایینتر که قاضی خلیلیان از آن دفاع می‌کرد، موجه باشد. در پایان، رئیس دیوان با اخذ تصمیم به دادن حکم در حد پایینی حدود نوسان قابل توجیه، تا آنجا که ممکن بود نظر خود را به نظر قاضی خلیلیان نزدیک کرد. من برای ایجاد اکثریت به وی پیوستم، گرچه آنطور که در نظر موافق خودم اظهار کردم، معتقدم که رقم انتخاب شده می‌بایستی رقم بالاتری در حدود نوسان مورد بحث بوده باشد.

(و) تلاش جهت به تعویق انداختن حکم

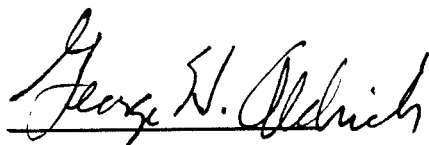
بالاخره، من از اظهار این مطلب توسط قاضی خلیلیان عمیقاً متأسفم که رئیس دیوان و من به طرقی که به نظر وی از "موازین حرفه‌ای داوری و اصول اخلاقی" عاری بوده، به نتیجه گیریهای خود رسیدیم. این اتهام، البته اساس و پایه‌ای ندارد. در طول شورهای مطول پرونده حاضر، نهایت کوشش به عمل آمد تا به قاضی خلیلیان فرصت کافی جهت آمادگی داده شود، و رئیس دیوان، قاضی خلیلیان و من، همگی وقت فراوانی را برای توضیح نقطه نظرات خود با حداکثر وضوحی که ممکن بود، صرف کردیم. رئیس دیوان و من هر دو، به نظرات قاضی خلیلیان گوش دادیم و به آنها

پاسخ گفتیم، و رئیس دیوان به قاضی خلیلیان و من فرصت کافی داد تا درمورد پیش نویس حکمی که توزیع کرده بود، اظهار نظر کنیم. لکن، قصد روشن قاضی خلیلیان برای ایجاد تاخیر به طور کامل عملی نشد. لذا، با اینکه موافقت شد که دیوان درمورد موضوعات معینی در طول ماههای بخصوصی شور کند، فی‌المثل موضوع ارزش گذاری در فوریه ۱۹۸۹ و ادعاهای متقابل و هر موضوع باقیمانده دیگر در مارس ۱۹۸۹، و طبق برنامه هم عمل کردیم، معذرا قاضی خلیلیان میل داشت نظرات خود را به عنوان نظرات مقدماتی معرفی کند و تلویحا" بگوید که وی در "مراحل بعدی" شور مطالب بیشتری اظهار خواهد کرد. با اینحال، هنگامی که مراحل بعدی اظهارنظر درمورد پیش نویس حکم در ماههای مه و ژوئن فرا رسید، وی فقط چند نظر ارائه نمود و کماکان اظهار می‌داشت که در آینده نسبتا" دوری اظهارنظرهای بیشتری خواهد کرد. مطلب شصت و یک صفحه‌ای که وی در ششم تیرماه [۲۷ ژوئن]، یعنی دو روز قبل از تاریخی که قرار بود حکم امضا شود، توزیع کرد، می‌بایستی در فوریه و یا اندکی پس از آن توزیع می‌شد و من شکی ندارم که مدتها قبل از اینکه توزیع شود تهیه شده و به این امید - یا شاید حتی با این توقع که در پاییز توزیع شود - از ارائه آن خودداری شده بود. به هر تقدیر، رئیس دیوان و من مطلب مزبور را پیش از آنکه شورها خاتمه یابد خواندیم و هر دو این نظر را داشتیم که هیچ چیزی که تغییر نتیجه گیریهای حاصل در جریان طولانی شور پرونده حاضر را ایجاد کند، ندارد.

۱۳ - باتوجه به تمامی مساعی شعبه در ارائه فرصت کافی به قاضی خلیلیان جهت بررسی پرونده، برنامه زمانی شورها که مورد قبول وی قرار گرفته بود، و اینهمه وقتی که رئیس دیوان برای اظهارنظر راجع به پیش نویس حکم داده بود، درخواستهای قاضی خلیلیان در اواخر ژوئن برای شور بیشتر غیر معقول بود و به نظر می‌رسد که منظور از آنها صرفا" ایجاد تاخیر در صدور حکم بوده باشد. قبول درخواستهای وی، به

نظر من با فرآیند عادلانه و منظم امر رسیدگی مبنایت می‌داشت، و به نحو قابل پیش بینی صرفاً منجر به تاخیر بیشتر در پرونده‌ای می‌شد که بیش از دو سال از استماع آن گذشته بود.

لاسه، به تاریخ هشتم شهریورماه ۱۳۶۸ برابر با ۳۰ اوت ۱۹۸۹



جرج اچ. آلدریج